

خبرنامه جنبش

دموکراتیک، سوسیالیستی و اجتماعی مردم ایران

دوهینوی خودکشیها در زندانهای جمهوری اسلامی!

مرگ نابه هنگام دکتر کاووس سیدامامی که بنا به اخبار منتشره در زندان اوین خودکشی کرده است، پرونده خودکشی های زندانیان زندانهای جمهوری اسلامی را وارد اپیزودی جدید کرده است. خودکشی شدگان در زندانهای جمهوری اسلامی سابقه ای طولانی دارند شاید از اولین افراد بتوان به نامهای لاهوتی یاد آوری کرد، مرگهای مشکوک در زندانها به وفور دیده شده است از جمله زهرا کاظمی خبرنگار دو تابعیتی ایرانی کانادایی و..... زهرا بنی یعقوب یکی از «خودکشی» کردگان مشکوک در زندان همدان بود. بنی یعقوب در ۲۰ مهر ۱۳۸۶ در حین صحبت با نامزدش در یکی از پارکهای همدان توسط نیروهای بسیج دستگیر و به بازداشتگاه ستاد امر به معروف شهر همدان فرستاده شده بود. پس از ۴۸ ساعت، خبر مرگ وی به خانواده اش داده شد. گزارش رسمی حاکی از آن است که بنی یعقوب در شب بازداشت در زندان خودکشی کرد. این در حالی است که خانواده وی و بالاخص پدرش که عضو سپاه پاسداران نیز بود ضرب و شتم در بازداشت را عامل مرگش دانسته بود. یکی دیگر از این موارد مبهم در سالهای اخیر، مرگ امیدرضا میرصیافی در ۲۸ اسفند ۱۳۸۷ در زندان اوین بود که در زمان مرگش ۲۸ سال داشت. میرصیافی نویسنده وبلاگ و روزنامه نگاری بود که با اتهام توهین به دو رهبر جمهوری اسلامی به ۲ سال حبس محکوم شده بود. مقامهای رسمی در ایران تا کنون در مورد مرگ امیدرضا میرصیافی اظهار نظر نکرده و به درخواست تحقیقات درباره مرگ وی پاسخ ندادند.

ابراهیم لطف‌اللهی دانشجوی کرد ۲۷ ساله در رشته حقوق بود که در بازداشتگاه سنندج به طرز مشکوکی جان سپرد. او در ۱۶ دی ماه سال ۱۳۸۶، پس از خروج از دانشگاه، توسط نیروهای امنیتی دستگیر و روانه بازداشتگاه شد. چند روز پس از بازداشت، خانواده موفق به ملاقات با فرزند خود شدند. به گفته برادرش، ابراهیم از نظر روحی وضعیت خوبی داشته و به نظر نمی‌رسد که قصد خودکشی داشته باشد. با این وجود نه روز پس از دستگیری، یعنی در ۲۵ دی ماه، نیروهای امنیتی با منزل این دانشجو تماس گرفته و خبر دادند که جنازه او در قبرستان سنندج دفن شده است. مقامات امنیتی می‌گویند این دانشجو خودکشی کرده است، اما خانواده وی و سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان، مرگ این دانشجو را مشکوک می‌دانند. اعضای خانواده لطف‌اللهی گفته‌اند که حتی بر روی قبر فرزندشان سیمان گذاشته شده که از نبش قبر جسد جلوگیری شود.

وحید حیدری، که در جریان ناآرامی های شهر اراک در دهم دی ماه گذشته دستگیر شده بود، در زندان جان خود را از دست میدهد و مقامات زندان مدعی اند که او در زندان خودکشی کرده و علت دستگیری او حمل ده گرم هروئین بوده است. تاکنون پزشکی قانونی گزارشی درباره علت مرگ وحید حیدری منتشر نکرده است، هر چند مقامات امنیتی مدعی اند که جوان دستفروش با لباس هایش در زندان خود را به دار آویخته است. محمد نجفی وکیل دادگستری در اراک گفته است که به اعتقاد او وحید حیدری در زندان خودکشی نکرده و در نتیجه ضربات سنگین کشته شده است و حالا قاتلان او می‌کوشند با متهم کردن وی به اعتیاد و حمل مواد مخدر آبروی او را نیز ببرند. در روزهای گذشته یک جوان دیگر به نام سینا قنبری که در جریان ناآرامی های جاری ایران دستگیر شده بود نیز در زندان اوین جان سپرد. مقامات ایران مدعی شدند که سینا قنبری هم در زندان خودکشی کرده است. این در حالیست که مسئولیت جان زندانیان با سازمان زندانها هست و هر زندانی در زمان بازداشت تمام وسایل خطرناک و غیر ضروری خود را تحویل زندان میدهد و قاعدتا وسیله ای برای خودکشی کردن همراهش ندارد.

آخرین مورد از این ترورها و حذف های غیر انسانی حذف و ترور کاووس سیدامامی فعال محیط زیست و دکترای جامعه‌شناسی، عضو هیئت علمی دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق استاد ارتباطات و مدیرعامل مؤسسه «حیات وحش میراث پارسیان» بود که در ۱۹ بهمن ۱۳۹۶ به دلایلی نامعلوم خبر درگذشت وی در زندان اوین به خانواده وی داده شد. هر چند افکار عمومی در ایران اخبار خودکشی زندانیان را باور نمی‌کنند و در باور کلی چنین بنظر میرسد که شکنجه های سخت باعث مرگ زندانیان در زندانها میشود، اما این سوال در افکار عمومی مطرح است که مگر در زندانهای جمهوری اسلامی زندانیان شاهد چه اتفاقاتی هستند که آنها را مجاب میکند تا خود را بکشند و مرگ را به زندگی ترجیح بدهند، آدمی مثل دکتر امامی که برای عدم تخریب محیط زیست فعالیت میکند چرا باید جان خودش را به تخریب بکشد؟

شاید بخشی از جواب را سعیدامامی یکی از ارکان وزارت اطلاعات قتلهای زنجیره ای که در زندان خودکشی شد!!!! می‌توانست بدهد، همانی که نامش مترادف شده است با مرگ؛ دکتر کاظم سامی، محمد پوپنده، داریوش فروهر، پروانه اسکندری، محمد مختاری، مجید شریف... و ده ها نفر دیگر که هر کدام به نوعی حذف و یا ترور شدند.

پروسه گام به گام مبارزات جنبش کارگری

تعویق در دستمزد و مطالبات کارگران- تعویق حقوقها- تلاش جهت عقد قرارداد دائم و اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل- جلوگیری از دستگیری و به زندان رفتن فعالین کارگری همچون رضا شهبانی و...- جلوگیری از تعطیلی کارخانجات همچون کارخانه چوب و کاغذ مازندران- داشتن حق بیمه- و....

جنبش کارگری در روزهای گذشته به اعتصابات و اعتراضات خود ادامه داد. در کنار حرکت‌های اعتراضی فوق‌فعالین صنفی امثال رضا شهبانی توانستند پس از آسیب‌های هولناک اعتصاب غذا، و تحمل حبس‌های طویل‌مدت نقش نماد در جنبش‌ها را بخوبی ایفا کنند. در حقیقت اگر امثال رضا شهبانی، مهدی فرحی شاندیز، اسماعیل عبدی، محمود بهشتی لنگرودی، مختار اسدی و محسن عمرانی و... را در رویکرد حرکت‌های اعتراضی در نظر بگیریم، تکه‌های پوزل کنش‌ها و واکنش‌های جنبش اجتماعی در کنار یکدیگر پر می‌شوند. در شرایط کنونی استمرار حرکت‌های گام به گام اعتراضی فعالین اجتماعی تنها شکل مبارزه صنفی است که می‌تواند روند پروسس مبارزات اجتماعی را بدون وقفه جلو ببرد، که البته توانسته است تا بعنوان نقطه عطفی در دست‌یابی به تحقق مطالباتی تلقی گردد که جنبش‌های اجتماعی در دهه‌های گذشته در پی تحقق آن بوده‌اند. مبارزاتی که توانسته حتی با بزرگترین دیو استبداد و سرکوب‌های شدید بطور چکانی مبارزه کند و تداوم یابد و البته که با گسترش آگاهی صنفی- مبارزاتی و تخریب آن به تک‌تک جنبش‌ها همراه باشد. بدهی روز افزون شرکت‌ها و کارخانجات خصوصی و دولتی به نیروی کار و تراکم انباشت مطالبات در این طبقه و نیز بدهی بیش از حد دولت به بانک مرکزی چشم‌اندازی به غیر از تداوم و افزایش اعتراضات کارگری را در پی نخواهد داشت. خصوصاً که در دولت روحانی شاهدیم سیاست ناقص تعدیل اقتصادی و برنامه‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول با تمام سرعت در حال پیشرفت است تا شاید حاکمیت سرمایه در ایران بتواند حضور شرکت‌ها و کارخانجات خارجی را در ایران هموار سازد و نقش خود را در نظام جهانی پیدا کند. غافل از اینکه در نظام سیاسی ایران اختلاس و رانت و فساد سیستمی نهادینه شده، خندق فاصله دولت ملت عمیقتر از گذشته گشته و نظام سیاسی ایران فاقد کارآمدی لازم برای تغییر چنین شرایطی است و ناکارآمدی مدیریت به بخش‌های فرهنگی و اقتصادی عمیقاً ریشه‌دوانده و تمامی اندام جامعه را در تار عنکبوتی خود اسیر کرده است. و البته که بحران‌های ساختاری جامعه ایران در کنار نقش مداخله‌گرایانه ایران در کشورهای منطقه و جهان و عدم ارتباط منطقی در روابط بین‌الملل منجر با پارادوکسی گشته که نشانه‌های آن در واکنش‌های کشورهای غربی و منطقه در اعتراضات اخیر دی ماه مردم ایران که در دهها شهر شکل گرفت، مشهود بود و افزایش تضادها و ناهنجاری‌های ناشی از آن بعنوان فاکتورهای ملموس و روشن باعث گشتن تا بی‌اعتمادی عمومی نسبت به حاکمیت بیش از گذشته به ظهور برسد! در اعتراضاتی که قبح مشروعیت و مقبولیت حاکمیت فقها بیش از گذشته فرو ریخت که در شعارهای ضد حکومتی شاهد آن بودیم. که اینها همه ثابت می‌کند در چشم‌انداز مبارزات اجتماعی خصوصاً در مبارزات جنبش‌های اجتماعی و از همه مهمتر در کنش‌های صنفی جنبش کارگری ما شاهد روندی رو به رشد در تحقق مطالبات صنفی و مراحل بعد از آن یعنی مبارزات صنفی- سیاسی و سیاسی- سیاسی خواهیم بود. یعنی مبارزاتی که می‌تواند همراه با حرکت‌های سندیکائی و اتحادیه‌های صنفی باشد. مبارزاتی که از پشتوانه تئوریک و سازماندهی لازم برای به‌صحنه آوردن جنبش کارگری برخوردار باشند. چنین باد

اعتصاب کارگران شهرداری محمد شهر کرج

کارگران شهرداری محمد شهر کرج که ۶ ماه دستمزد و مطالبات عقب‌افتاده دارند دوشنبه ۲۳ بهمن مقابل شهرداری تجمع نمودند.



کارگران صنایع لبنی پالود ۵ ماه مزد معوقه دارند

کارگران صنایع لبنی پالود پارسین واقع در نیشابور ۵ ماه است حقوق نگرفته‌اند. این در حالی است که کارخانه فروش خوبی دارد و محصولات لبنی آن علاوه بر مصرف داخلی به کشورهای همسایه نیز صادر می‌شود. کارفرما تعویق مزد ۱۶۰ کارگر این کارخانه را ناشی از بحران صنایع لبنی و کمبود نقدینگی اعلام کرده است!

تشکیل کمیته ویژه رسیدگی به مطالبات کارگران مخابرات روستایی

تجمعات و اعتراضات متعدد کارگران مخابرات روستایی در نهایت منجر به تشکیل کمیته ویژه‌ای در شرکت مخابرات برای رسیدگی به مطالبات آنان شد. کارگران مخابرات روستایی در دهها اعتصاب و تظاهرات ماه‌های اخیر در نقاط مختلف از جمله مقابل وزارت کار، اداره مخابرات تهران و مقابل مجلس، دو خواست عمده را مطرح کرده‌اند که عبارتند از: عقد قرارداد دائم و اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل. برگزاری کمیته ویژه رسیدگی به مطالبات کارگران مخابرات روستایی در نشست نمایندگان آن‌ها با مدیر عامل شرکت مخابرات تصویب شد.



رضا شهبانی به مرخصی درمانی آمد - درخواست ۳۲ وکیل برای آزادی کامل او

یک روز پس از انتشار بیانیه جمعی از وکلای دادگستری و درخواست آنها برای آزادی رضا شهبانی، عضو زندانی هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، خبر رسید که وی با موافقت دادستانی و مسئولان زندان با تودیع وثیقه به مرخصی پنج روزه آمده است. تصویری که از رضا شهبانی پس از آزادی موقت پزشکی در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده، نشان از آثار محرومیت از خدمات پزشکی و درمانی پس از دو بار سکنه ناقص و بی‌حس شدن سمت چپ صورت این فعال کارگری دارد. رضا شهبانی پیشتر در تاریخ ۱۶ بهمن‌ماه نیز به بیمارستان اعزام و پس از انجام معاینات پزشکی مجدداً به زندان اوین منتقل شده بود. ۳۲ وکیل دادگستری در بیانیه‌ای خواستار آزادی کامل رضا شهبانی رفع نگرانی از خانواده، همکاران، همراهان و هم‌صنفی‌های او شده بودند. در بیانیه این ۳۲ وکیل دادگستری با اشاره به اینکه سازمان بین‌المللی کار در اساسنامه و مقاله‌نامه‌های ۸۷ و ۹۸ خود حق داشتن تشکل‌های مستقل را به رسمیت شناخته‌است، نوشتند: «مطابق مقاله‌نامه ۸۷ سازمان بین‌المللی کار، همان‌طور که کارفرمایان می‌توانند تشکل مستقل داشته باشند، کارگران نیز بی‌هیچ‌گونه تبعیض و بدون نیاز به اجازه قبلی، می‌توانند اقدام به ایجاد تشکل‌هایی با میل و اختیار آزاد کنند. حسین احمدی نیاز، آرش کیخسروی، معصومه فناپیان، مریم فتحعلی‌زاده آهنگر، نسرین ستوده، صالح نیکبخت، محمود علیزاده طباطبایی، ناصر زرافشان، یوسف مولایی و میترا آزر از جمله وکلای مدافعی هستند که این بیانیه را امضا کرده‌اند.

رضا شهبانی تنها فعال صنفی نیست که به اتهام‌های امنیتی در زندان به سر می‌برد. بر اساس گزارشات، مهدی فرحی شان‌دیز، اسماعیل عبدی، محمود بهشتی لنگرودی، مختار اسدی و محسن عمرانی، از فعالان صنفی هم به اتهام‌های مشابه زندانی هستند. در عین حال، شماری از فعالان کارگری مانند ابراهیم مددی و داود رضوی، دو عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، هم در انتظار احکام دادگاه انقلاب هستند. همچنین در ماه‌های اخیر برای ده‌ها کارگر شرکت نیشکر هفت‌تپه و کارخانه هپکو پرونده‌های قضایی تشکیل شده است. اینگونه برخوردها، انتقاد شدید تشکل‌های کارگری و صنفی در ایران، سازمان‌های حقوق بشری در جهان و نیز اتحادیه‌های بین‌المللی کارگری را به همراه داشته است.

کارخانه چوب و کاغذ مازندران در ورطه تعطیلی قرار گرفت

محمد دامادی نماینده مجلس از ساری گفته است: کارخانه چوب و کاغذ در ورطه تعطیلی است و بیش از ۲ هزار و ۴۵۰ پرسنل درگیر این مسأله هستند. ژنراتور ۱۵ میلیاردی را آقایان ۲ میلیارد فروختند سؤال ما این است مگر می‌شود ژنراتور با آن عظمت را زدوبند کنند... جلسه‌ای با حضور رئیس مجلس، نمایندگان مردم مازندران در مجلس و وزیر جهاد کشاورزی در ارتباط با حل مشکلات شرکت صنایع چوب و کاغذ مازندران که یکی از تولیدات اصلی کشور در زمینه کاغذ است و در خاورمیانه نظیر آن را نداریم برگزار شد که وزیر جهاد کشاورزی حتی یک بند از صورت جلسه را اجرا نکرده است. مگر می‌شود رئیس قوه مقننه جلسه‌ای را در این مورد آن هم براساس ضرورت برگزار کنند اما چرا نباید وزیر جهاد کشاورزی به این موارد توجه کنند... کارخانه چوب و کاغذ در ورطه تعطیلی است، بیش از ۲ هزار و ۴۵۰ پرسنل درگیر این مسأله هستند و هر روز گرفتاری داریم و کارگران ما دو یا سه ماه حقوق خود دریافت نمی‌کنند.

هشدار کارگران نیشکر هفت‌تپه به از سرگیری اعتصاب

کارگران شرکت نیشکر هفت‌تپه هم‌زمان با پایان دادن به اعتصاب خود اعلام کرده بودند که چنانچه تا روز دوشنبه ۲۳ بهمن، خلف وعده‌ای صورت گیرد، بلافاصله اعتصاب خود را از سر خواهند گرفت. از آنجایی که این موعد دوشنبه ۲۳ بهمن ماه به پایان می‌رسد، در همین ارتباط، دو پیام از سوی جمعی از کارکنان و کارگران نیشکر هفت‌تپه منتشر شده که به شرح زیر است: پیام اول: آقای اسدبیگی! امروز که خبری از فیش حقوق‌ها نشد و فردا هم دوشنبه هست. آقای کاظمی! ما فردا منتظر حقوق هستیم؛ اگر واریز نشد، صبح سه‌شنبه منتظر یک اعتصاب بزرگ از طرف کارکنان هفت‌تپه باشید. در آنصورت دیگر، کارگران نیشکر با شما هیچ حرف و سخنی نخواهند داشت و پای هیچ سخنرانی نمی‌آیند. رئیس دفع آفات! شما هم به جمع کارگران بیا و بگذار کارکنان دفع آفات با دیگر کارگران همراه باشند. امضاء: از طرف کارکنان هفت‌تپه - یکشنبه ۲۲ بهمن ۹۶

پیام دوم: خطاب به مهندس کاظمی، کریمپور و درخشانی! فردا وعده‌ی حقوق دادن شماست؛ چنانچه حقوقی در کار نباشد، سه‌شنبه اعتصاب شروع می‌شود و از شما نیز کسی حق سخنرانی ندارد. اما خطاب به مدیران و سرپرست‌های دیگر قسمت‌ها! شما هم همراه ما در اعتصابات شرکت نمائید؛ در غیر اینصورت حق ندارید جلوی کارگران خود را بگیرید و یا تهدید بکنید و گرنه شماها هم از ما نیستید. خصوصاً با شما درخشانی، کریمپور، عباس خنیفر، مدیر دفع آفات و... هستیم. حق دخالت در اعتصابات را ندارید. از تمام کارگران محترم می‌خواهیم که هر مسئولی اجازه‌ی اعتصاب را به شما نداد یا تهدید به اخراج کرد، نامش را به همه بگوئید. پس چنانچه فردا دوشنبه (۲۳ بهمن) حقوق واریز نشد، سه‌شنبه همه با هم اعتصاب عظیم! امضاء: جمعی از کارگران نیشکر هفت‌تپه

فعالیت مدنی در شرایط بحرانی به سر می برند

اعتصاب غذای خشک آتنا دائمی و گلرخ ایرانی- مرگ کاووس سید امامی در زندان اوین- دستگیری سام رجبی و دهها تن از فعالین محیط زیست- دستگیری بهزاد همایونی به همراه پسرش در ۲۲ بهمن و...

فعالین مدنی در شرایط بحرانی به سر می برند! اعتصابات و اعتراضات و دستگیریها در اوج خود قرار دارد. گوئی در چشم کور حاکمیت خروجی انتقاد و اعتراض هر معترض و نقاد اجتماعی باید به سلولهای زندان اوین ختم شود. پروژه دستگیریها در این هفته به فعالین محیط زیست می رسد که البته از هفته های قبل آغاز شده و طبق گفته دادستان و دادگستری همچنان ادامه دارد. فعالین دو تابعیتی که برای حفظ محیط زیست این کشور و ترمیم چالش هائی که در این رابطه وجود دارد حاضر شده اند که حتی از کشورهای اروپائی و امریکائی کمک بگیرند. نیرو هائی که زندگی بی آلاش و راحت در کشورهای متروپل را به خاطر زندگی در ایران کنار گذاشته تا شاید بتوانند بخشی از بحرانهای ساختاری و البته زیستی در این کشور را حل سازند. آنان هم اینک به اتهام چنین رسالتی که بردوش می کشیدند زندگی را در سلولهای انفرادی زندان اوین تجربه کردند و حتی هستی خود را به باد دادند تا شاید در مقابل سیاستهای حاکمیت جمهوری اسلامی بتوانند طبیعت ایران را با خون خود آبیاری کنند و به بهای از دست دادن زندگی خود بخشی از حیات از دست رفته را به این کشور برگردانند.

و اما آتنا و گلرخ که هم اینک در زندان نسوان قرچک و رامین در اعتصاب غذای خشک به سر می برند. هم اینک حیات ایندو زندانی عزیز که طی سالهای اخیر بدترین شرایط زیستی را در زندان تحمل کرده اند و حاضر به پوزش در مقابل حاکمیت استبداد نیستند، در خطر است. آنان که به دلیل اعتصاب غذای خشک به بدترین شرایط جسمی و بیماریهای متعدد دچار شده اند، کف خواسته آنان برگشت به زندان اوین است. دفاع از موقعیت زندانی سیاسی و احترام به حقوقی که یک زندانی سیاسی آن هم در سیستم سرکوب گر جمهوری اسلامی برای خود قائل است. تلاش برای به دست آوردن حقوقی که قوانین اسلامی مکتوب کرده است. قوانینی که حتی خودشان به اجرای آن اقدام نمی کنند. هم اینک ایندو تبدیل به نماد زنان شیردل ایرانی در عرصه مبارزه اجتماعی شده اند. نمادی که قطعاً در تاریخ مبارزات اجتماعی ایران ثبت خواهند شد. الگو و پرچمی که در تداوم مبارزات جنبش های اجتماعی دست به دست خواهند گردید تا رسم مردانگی را در جسم زنان ایرانی به نسلهای آینده منتقل نمایند. نسلهائی که بر اساس تجربیات این تک ستاره های جنبش اجتماعی ایران برای تحقق فریاد جامعه ای بدور از استبداد و ستم مضاعف در عرصه عمومی حضور به هم می رسانند و پاسدار آزادی و عدالت در این مرز و بوم خواهند بود. هم اینک خواهر و مادر آتنا دائمی توسط عوامل سرکوب در مقابل زندان اوین دستگیر شدند. ایشان از مسئولین زندان خواسته بودند تا آتنا و گلرخ ایرانی از زندان قرچک و رامین به زندان اوین منتقل گردند!

کمپین حمایت از زندانیان؛ جان آتنا در خطر است!

افزایش نگرانی ها، بی توجهی مسئولین! در پی اعتصاب غذای خشک آتنا دائمی و گلرخ ایرانی، حال آتنا وخیم گزارش شده است. آتنا دائمی و گلرخ ابراهیمی ایرانی از صبح روز شنبه ۲۱ بهمن ماه؛ اعتصاب غذای خشک خود را آغاز کردند. این دو زندانی سیاسی طبق اعلام قبلی در اعتراض به عدم انتقالشان به زندان اوین دست به اعتصاب غذای خشک زده اند. مورخ ۴ بهمن ماه آتنا دائمی و گلرخ ابراهیمی دو فعال مدنی محبوس در بند زندان اوین همراه با ضرب و شتم به زندان قرچک و رامین تبعید شدند. این دو کنشگر مدنی در اعتراض به این تبعید غیر قانونی از ۱۴ بهمن ماه در اعتصاب غذا بسر می برند. در این بین آتنا دائمی بدلیل نوسانات فشار خون در وضعیت نامناسب جسمی قرار گرفته است. اعتصاب فعلی کبد های این زندانی را تحت تاثیر قرار داده، بنا به گفته پزشک زندان در صورت تداوم اعتصاب بخصوص خودداری از نوشیدن مایعات، خطرات جانی و جسمی این زندانی را تهدید می کند... مامورین زندان از طریق دوربینهای مدار بسته متوجه وخامت حال این زندانی شده و مسئولین زندان، منجمله معاون رئیس زندان، افسر بند، پزشک و پرستار به اتاق وی مراجعه کرده و از او خواستند تا به اعتصاب خود پایان دهد. در روزهای گذشته هر دو زندانی اجازه وصل سرم نداده اند. گفتنی است که زندانی سیاسی سهیل عربی نیز در همراهی و حمایت با این دو زندانی سیاسی در زندان تهران بزرگ به اعتصاب غذای خود ادامه داده است.

معصومه نعمتی گفته است: از هفته گذشته بصورت مستمر هر روز برای ملاقات با حاج مرادی، دادیار زندان به دادرسی اوین مراجعه کردم ولی هربار با رفتار های تند و تحقیر آمیز مسئولین دادرسی رو به رو شدم. در خصوص اعتصاب غذای آتنا و گلرخ که به اعتصاب خشک تبدیل شده نوشتم و وضعیت بد پزشکی شان را به حاج مرادی شرح دادم ولی کوچکترین اعتنایی نکرد و در جواب گفت به من ربطی ندارد. چهارشنبه هفته پیش متوجه شدم معاون دادستان نیز در دادرسی حضور دارد و پس از ساعت ها انتظار تنها توانستم با مسئول دفتر وی ملاقات کنم و درخواست خودم را از دادستان مبنی بر بازگرداندن آتنا و گلرخ بنویسم اما معاون دادستان تهران پس از تحویل گرفتن برگه، درخواست مرا پاره کرده و به سطل زباله انداخت. مسئولین دادرسی از اعتراض من خشمگین شدند و تهدید کردند اگر اعتراضات خودم را ادامه دهم من را نیز به زندان قرچک و رامین میفرستند و با این سخن ماموران حفاظت دادرسی و نیروی انتظامی با توهین من را از دادرسی بیرون کردند. آتنا دائمی و گلرخ ایرانی پیش از این اعلام کرده بودند که مسئولین بدون هیچ دلیل و توضیحی با ضرب و شتم ما را به زندان قرچک تبعید کردند و باید بخاطر این کار غیرقانونی خودشان پاسخگو باشند. آنها مسئولیت جانشان را بر عهده دادستان دولت آبادی و حاج مرادی دادیار ناظر بر زندانها دانستند.

بازداشت فعالان محیط زیست و ادعای خودکشی کاووس سیدامامی

همزمان با تایید مرگ کاووس سیدامامی به علت خودکشی در بازداشتگاه از سوی دادستان تهران، بازداشت کاوه مدنی، معاون امور بین‌الملل سازمان محیط زیست ایران و طرح بازداشت حداقل ده فعال محیط زیست طی هفته‌های گذشته، رییس دادگستری تهران در سخنانی از اینکه این بازداشت‌ها ادامه خواهد داشت سخن گفت. دادستان تهران نیز علت مرگ کاووس سیدامامی را خودکشی نامید و ادعا کرد او به دلیل اعتراضاتی که بقیه بازداشت‌شدگان علیه او کرده‌اند و همچنین اعترافات خود علیه خودش دست به این کار زده است. منابع آگاه از بازداشت ده فعال محیط زیست در این پرونده به اتهام جاسوسی خبر داده‌اند که نام کاوه مدنی، معاون امور بین‌الملل سازمان محیط زیست ایران هم در میان بازداشت‌شدگان به چشم می‌خورد.

موضوع بازداشت فعالان محیط زیست، پس از انتشار خبر مرگ کاووس سیدامامی، استاد ۶۴ ساله دانشگاه و فعال محیط در بازداشتگاهی در ایران به رسانه‌ها راه یافت. یک روز پس از انتشار خبر از سوی خانواده سیدامامی، دادستان تهران با تایید مرگ این استاد دانشگاه در بازداشتگاه، علت مرگ را خودکشی اعلام کرد. دادستان تهران ادعا کرد کاووس سیدامامی که با اتهام جاسوسی بازداشت شده، به دلیل حجم اعترافات علیه خودش خودکشی کرده است: «این فرد یکی از همان متهمان (فعالان محیط زیست) بوده است و با توجه به اینکه می‌دانسته است اعترافات زیادی هم علیه وی شده و هم خود اعترافات داشته متأسفانه در زندان دست به خودکشی زده است.» دادستان تهران درباره مسئولیت قوه قضائیه در حفظ جان متهمان، جزئیات و شیوه خودکشی ادعایی این استاد ۶۴ ساله و این که وسایل خودکشی چگونه در یک بازداشتگاه امنیتی در اختیار متهم بوده است، توضیح بیشتری نداد. به علاوه قطعیت اظهار نظر دادستان درباره نیت و دلیل مرحوم سیدامامی برای آنچه مقامات قضایی تلاش دارند «خودکشی» جلوه دهند، بدون اینکه شاهی برای ادعای خود مطرح کند سوال برانگیز است.

علاوه بر کاووس سیدامامی که مقامات قضایی مدعی خودکشی او در بازداشتگاه شده‌اند و کاوه مدنی معاون سازمان محیط زیست ایران، نام‌های دیگری چون هومن جوکار، نیلوفر بیانی، مراد طاهباز، طاهر قدیریان، امیرحسین خالقی، سام رجبی، آبنوس صادقی و سپیده کاشانی نیز در شبکه‌های اجتماعی به عنوان دیگر بازداشت‌شدگان این پرونده مطرح شده هر چند هنوز از سوی مقامات قضایی یا رسانه‌های داخلی ایران تایید نشده است. فعالان محیط زیست بازداشت شده با یک سازمان مردم‌نهاد عام المنفعه به نام «میراث حیات وحش پارسیان» مرتبط بوده‌اند که هدف خود را در وبسایت خود «گسترش آگاهی‌های عمومی درباره ضرورت پاسداری از طبیعت و حیات وحش ایران و ترویج ارزش‌های این میراث کم نظیر و تعریف و اجرای طرح‌های علمی و سنجیده برای کمک به حفظ گونه‌های در معرض خطر و زیستگاه‌های شکننده حیات وحش» تعریف کرده است. در وبسایت این موسسه کاووس سیدامامی به عنوان مدیر عامل و مراد طاهباز نیز یکی از اعضای فعال آن معرفی شده است.

این موسسه و مدیران آن به ویژه مراد طاهباز از مدت‌ها پیش هدف حمله روزنامه‌ها و وبسایت‌های امنیتی جمهوری اسلامی مانند کیهان و تسنیم قرار گرفته بودند. خیرگزاری تسنیم، وابسته به سپاه پاسداران ایران، بیستم آبان ۱۳۹۶ در مطلبی با حمله به موسسه حیات وحش پارسیان، مراد طاهباز، یکی از اعضای هیئت مدیره آن را یک تاجر بین‌المللی خواند که سابقه «ساخت‌وساز در کشورهای آمریکا و رژیم صهیونیستی و مدیریت و توسعه قمارخانه‌های امریکارا» در کارنامه‌اش دارد. اتهامات رسانه‌هایی مانند کیهان، تسنیم و فارس به افراد و موسسات در ایران معمولاً در نهایت به تشکیل پرونده‌های امنیتی از سوی اطلاعات سپاه پاسداران برای حذف آنان می‌انجامد. چهار انجمن علمی نیز در نامه‌ای به رئیس جمهور ایران، مرگ کاووس سیدامامی را «موجب بهت و حیرت جامعه علمی و نیز فعالان محیط زیست» خواند و نوشت اخبار و شایعات منتشر شده درباره دلایل دستگیری و مرگ ایشان در باور نمی‌گنجد و ابهامات و سوالات زیادی را پدید آورده است، در این نامه که از سوی انجمن علوم سیاسی ایران، انجمن جامعه شناسی ایران، انجمن مطالعات صلح ایران و انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات امضا شده، کاووس سیدامامی «انسانی شریف و اخلاق‌گرا و استادی نام‌آشنا و دانشمندی ممتاز» توصیف شده و از رئیس جمهور ایران خواسته شده که با پیگیری جدی در راستای وظایف، نهادهای درگیر در این ضایعه دردناک را وادار به پاسخگویی کند.

پیرو دستگیری فعالان محیط زیست به اتهام جاسوسی



پیرو دستگیری فعالان محیط زیست به اتهام جاسوسی، مادر سام رجبی فعال محیط زیست: پسر من جاسوس نیست، در بی‌خبری مطلق هستیم.



بهزاد همایونی جانباز و آزاده جنگ به همراه پسرش در روز ۲۲ بهمن‌ماه، در حالی که عکس محمد مهدوی‌فر و نرگس محمدی را در دست داشتند توسط مامورین بازداشت شدند!

چشم انداز جنبش قومی و مذهبی به کجا می انجامد؟

بازداشت شهروند زاهدانی بدلیل خویشاوندی با یک زندانی امنیتی- اعتراضات مداوم ائمه جمعه اهل سنت به پلم نمازخانه های اهل سنت در شهرهای مختلف کشور، بیکاری مضاعف در شهرهای اهل سنت، عدم استفاده از نیروهای اهل سنت در مراکز دولتی و... طبق آمارهای رسمی بیشترین محرومیت و سرکوبها در استانهای حاشیه کشور خصوصاً مناطق سیستان و بلوچستان، کردستان و خوزستان وجود دارد. بیشترین ناهنجاری اجتماعی، فقدان امکانات آموزشی، بهداشتی، کاری و امنیتی در استانهای فوق شایع است. کمترین امکانات و برنامه های توسعه و دولتی در این مناطق پیش بینی می شود. در کنار این تضادها تبعیض مضاعف مذهبی و قومی افزایش دارد. ارتباط طبیعی این استانها با مرزهای همسایگان ایران و اشتراکات فرهنگی، قومی و خویشاوندی همراه با مشکلات اقتصادی که بیشتر بخاطر بیکاری و فقدان تولید داخلی شکل گرفته که باعث می شود تا برای امرار معاش به مرزهای مجاور تردد داشته باشند، که اینها همه از مجموع عواملی محسوب می گردند که در کنار نفوذ و گسترش نیروهای امنیتی در این مناطق منجر به سرکوبهای چندلایه در این استانها می گردد. بحران اقتصادی به تنهایی در این استانها کافی است که باعث گردد تا این مناطق تبدیل به مرکز ورود خراج قاچاق مواد افیونی یا تجاری گشته و باعث گسترش ناهنجاری اجتماعی باشد. در کنار این مسئله، نفوذ نهادهای امنیتی در این مناطق خود عامل اصلی ناامنی در استانهای فوق می باشد. تیراندازی به شهروندان کرد یا بلوچ و عرب و سرکوب سیستماتیک جامعه بومی همراه با دستگیری مخالفان و زندان یا اعدام آنان که با اتهامات متفاوت و در کادر امنیت دولت مرکزی توجیه می شود، مجموعه عواملی هستند که منجر به شکل گیری شهروند شیعه و سنی گشته است. شهروندانی که از حداقل حقوق اجتماعی و انسانی محروم می باشند. نظام آموزشی و امکانات تدریس در این مناطق در سطح نازل است و گاه دانش آموزان در اسطبل و کپر و ساختمانهای متروکه مجبور به آموزش می باشند. صدها هزار دانش آموز به دلیل مشکلات تدریس از آموزش محروم هستند. کودکان دانش آموزش ناچارند که برای رسیدن به محل درس و آموزش با پای پیاده کیلومترها راه بروند و خانواده ها برای امرار معاش با وسایل نقلیه موتوری و سواری که همراه با چندین گالن بنزین و گازوئیل می باشد، و یا با کوله باری از اجناس لوکس خانگی که در پیچ و تاب کوهها مجبور به حرکت هستند، به خارج و داخل از مرزها مسافرت کنند تا بتوانند معاش خانواده را تامین نمایند. که در این راه پرخطر و ریسک باید برای زنده ماندن شانس این را داشته باشند تا در تیر رس نیروهای امنیتی و تیراندازی آنها فرار نگیرند. فشار روزافزون بر اعتقادات دینی و قومی منجر به واکنش های فزاینده در بین اقلیتهای دینی گشته است. واکنشهایی که از سرکوب سیستماتیک اعتقادات دینی توسط حکومت مرکزی نیز مشهود است، که با تکیه بر اندیشه فقهی با هر آنکس که به نوع دیگری باور اعتقادی دارد، مخالف می کند. و این اختلافات آنچنان گسترده می باشد که اقلیت های قومی و مذهبی نقشی در برنامه های کلان سیاسی و اقتصادی، خصوصاً فرهنگی و مذهبی ندارند تا در این مشارکت بتوانند از حقوق مدنی و انسانی خود سیانت کنند. حتی در استفاده از مناسک مذهبی همچون شکل عبادت، محل مساجد و مراکز تجمع خود و... افزایش اعتراضات مجامع، رهبران دینی و قومی و توده مردم به این وقایع نشانه ملموس و روشنی است از روند رو به رشد کنش گری قومی و دینی در مقابل سیاستهای تبعیض آمیز حاکمیت که می تواند در آینده نزدیک باعث شکل گیری اعتراضات فراگیر باشد که در همسویی با دیگر جنبش های اجتماعی بتواند نحوه تحقق مطالبات قومی و مذهبی را وارد مرحله جدیدی از اعتراضات اجتماعی نماید. اعتراضاتی که چنانچه در همسویی با مطالبات دیگر جنبش ها صورت بگیرد، عامل حرکت هماهنگ جنبش قومی و مذهبی در جهت تضعیف سرکوبهای فراگیر حاکمیت و گسترش هرچه بیشتر اعتراضات عینی و ملموس جنبش های اجتماعی باشد.

بازداشت يك شهروند زاهدانی توسط وزارت اطلاعات

یک شهروند زاهدانی به نام برکت شه بخش ۲۰ ساله، حدود ۴ روز قبل توسط پرسنل اداره اطلاعات شهرستان زاهدان بازداشت شده است. این شهروند زاهدانی نسبت خویشاوندی با اسماعیل شه بخش زندانی امنیتی محکوم به اعدام زندان مرکزی زاهدان دارد. گفته می شود این بازداشت بی ارتباط با این رابطه خویشاوندی نبوده است. برکت شه بخش در حال حاضر در سلول انفرادی اداره اطلاعات شهرستان زاهدان نگهداری می شود و مراحل بازجویی این زندانی تا لحظه تنظیم این گزارش ادامه دارد. لازم به یادآوری است، اسماعیل شه بخش پیش تر در شعبه دوم دادگاه انقلاب شهرستان زاهدان به ریاست قاضی سرگل زهی به اتهام محاربه و درگیری مسلحانه با نیروی انتظامی در ۱۷ آبان ماه سال جاری به اعدام محکوم شد.

۱۰ سال زندان برای نوکیش مسیحی ناصر نورد گل تپه

بنابر گزارشات رسیده، شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب به ریاست «ماشالله احمدزاده» در تاریخ ۲ خرداد ۱۳۹۶ برگزار شد و این شهروند مسیحی را به ۱۰ سال حبس تعزیری محکوم نمود. قاضی در جریان دادگاه به گزارش وزارت اطلاعات استناد و اتهامات مربوطه را «اقدام علیه امنیت ملی از طریق تشکیل و راه اندازی تشکیلات غیرقانونی کلیسای خانگی» عنوان کرد. اما به متهم و وکلای پرونده اجازه دسترسی به گزارش مربوطه، محتویات و اسناد و مدارک مورد اشاره در پرونده داده نشد. حکم ۱۰ سال زندان برای نوکیش مسیحی «ناصر نورد گل تپه» در دادگاه تجدید نظر تهران به ریاست قاضی «حسن بابایی» نیز تایید شده بود. گفته می شود که در اقدامی عجیب، قاضی پرونده، حسن بابایی، از ناصر نورد خواسته بود تا برای تخفیف در مجازات حبس «رضایت کارشناسان (بازجویان) وزارت اطلاعات را کسب کند». این در حالی است که وزارت اطلاعات ضابط قضایی و شاکای پرونده است. آقای ناصر نورد، به همراه سه شهروند کشور آذربایجان در تاریخ ۴ تیر ماه ۱۳۹۵ در یک گردهمایی خصوصی بازداشت شدند. «الدرد قربانوف، یوسف فرهادوف و بهرام نسیبوف» از اعضای کلیسایی به نام «کلمه حیات» در باکو هستند که پس از آزادی به کشور خود بازگشتند.

هیچ ارگان حکومتی حق دخالت در امور مذهبی اهل سنت را ندارد

مولوی محمدحسین گرگیج امام جمعه اهل سنت آذربایجان با اشاره به پلمپ برخی نمازخانه های اهل سنت مشهد نسبت به دخالت برخی ارگان های نظامی در امور مذهبی به شدت انتقاد کردند و گفتند: یکی از اساسی ترین حقوق شهروندی، حق مذهبی است پس هیچ ارگان حکومتی حق دخالت در امور مذهبی اهل سنت را ندارد. ایشان با بیان اینکه؛ یکی از اساسی ترین حقوق شهروندی حق مذهبی است، مساجد و نمازخانه های اهل سنت بدون دخالت باید در اختیار ما باشند و مکاتب نیز باید تحت نظارت علما قرار گیرند، علمای شیعه و سنی به طور مشترک متفقند که حوزه های علمیه و مساجد نباید دولتی و نظامی شوند. مراکز دینی نباید نظامی شوند، مکان و جایگاه عزیزان نظامی ما مراکز نظامی و پادگان ها می باشد، وظیفه ی سازمان های نظامی، آموزش نظامی است. همان طور که بنده حق برگزاری کلاس تفسیر قرآن برای طلاب علوم دینی در پادگان را ندارم مسئولین نظامی نیز حق ندارند به مدارس دینی، مکاتب قرآن و مساجد ما نزدیک شوند. علما و مدارس دینی هرگز جیره خوار حکومت نبوده اند. اگرچه حکومت وقت، اسلامی باشد اما حق دخالت در امور مذهبی را ندارد، از صدر اسلام تا کنون علمای اسلام و مدارس دینی، مستقل هستند و جیره خوار حکومت نبوده اند، عالمی که جیره خوار باشد صدایش مقابل سیاست های نادرست حکومتی بلند نمی شود. به هیچ ارگان حکومتی اجازه دخالت در امور مذهبی اهل سنت را نمی دهیم، استقلال در صورتی محقق می شود که مساجد و مدارس دینی اهل سنت خودکفا و مردمی باشند. جای بسی تأسف است که پس از گذشت حدود چهار سال هنوز شاهد پلمپ نمازخانه ها و مکاتب اهل سنت هستیم...

راستی من چرا نباید در کشور و زادگاه خویش حق ارتقاء و ترقی داشته باشم؟

بسیاری از کنشگران، فعالان مدنی و نمایندگان سنی مجلس انتخابات ریاست جمهوری ایران را عادلانه، آزاد و دموکراتیک نمی دانند و می پرسند چرا یک سنی نمی تواند در ایران رئیس جمهور شود. جلال جلالی زاده، نماینده پیشین اهل سنت کرد در مجلس ایران می گوید: «من این سؤال را نپرسم حتما فرزند من و نسل های آینده می پرسند، راستی من چرا نباید در کشور و زادگاه خویش حق ارتقاء و ترقی داشته باشم؟ مگر من ایرانی و مسلمان نیستم؟ گیرم که نباشم، مگر زاده این مرز و بوم نیستم؟ مگر انسان نیستم؟ مگر شهروند این ملک و سرزمین نیستم؟ راستی مطابق کدام آیه یا حدیث یا روایت، یک سنی نمی تواند رئیس جمهور شود؟» این نماینده پیشین، قانون انتخابات ریاست جمهوری را «اصل حذف کننده و محدود کننده یک چهارم شهروندان ایران» توصیف می کند.

مولوی عبدالحمید، امام جمعه اهل سنت زاهدان می گوید: «یکی از بزرگترین اشتباهات تدوین کنندگان قانون اساسی این بود که گفتند رئیس جمهور حتماً باید شیعه باشد. همه ما ملت ایران هستیم و این کشور متعلق به همه اقوام و مذاهب است و نباید تفاوتی بین شیعه و سنی، کرد، فارس و بلوچ وجود داشته باشد. مولوی عبدالحمید می افزاید: «با این حال ما می گوئیم حداقل از بین برادران شیعه که می توانند کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری شوند، افرادی را از گرایش ها و تفکرات مختلف تأیید کنید».

دولت ایران تا کنون، آمار رسمی جمعیت سنی کشور را اعلام نکرده اما سنی های ایران حدود یک چهارم از کل جمعیت کشور هستند. این آمار به طور رسمی تأیید نشده است.

وضعیت دردناک معلمان حق‌التدریسی با ۱۰ ماه حقوق عقب‌افتاده

حقوق عقب‌افتاده در کنار «حقوق‌های نجومی» اصطلاحی است که در چند سال اخیر وارد ادبیات و فرهنگ روزمره افشار مزدبگیر کشور شده است. اصطلاحی که به نظر می‌رسد خاص و ساخت بلامنازع ایران جمهوری اسلامی باشد. در همین حوزه، روزی نیست که شاهد چند خبر یا گزارش از داستان بی‌پایان حقوق عقب‌افتاده کارگران کشور و از آن‌سوی، اعتراضات مکرر و بلاوقفه آنها در این خصوص در رسانه‌ها نباشیم. علاوه بر کارگران زحمتکش خبرهایی نیز از حقوق عقب‌افتاده پرستاران داشتیم اما اکنون خبر می‌رسد که در سال تحصیلی ۹۶-۹۷، معلمان حق‌التدریسی نیز، تنها یکماه از حقوق خود را دریافت کرده‌اند. معلمی که حقوقی کمتر از ۸۰۰ هزار تومان دریافت می‌کند، ۴ ماه هم حقوق عقب‌افتاده باشد، برای رفتن به کلاس درس خود که در یک روستا برگزار می‌شود، پولی در بساط ندارد. همین معلم در فکر اقساط عقب مانده خودش و هزینه‌های سرسام آور درمانی خانواده‌اش است که هنوز بیمه‌های آنها تمدید نشده‌اند؛ این معلم حتی باید محفل خانواده خود را در شب عید ۱۳۹۷ گرم کند و خواسته‌های خانواده در شب عید را برآورده کند؛ اما چگونه و با کدام پول؟ این معلمان با سقف پایین حقوقی که برای آنها در نظر گرفته شده است، علاوه بر مشکل واریز نشدن به موقع حقوق‌شان، بیمه‌های آنها نیز در اسرع وقت واریز نشده و به همین دلیل در استفاده از خدمات درمانی دچار مشکل شده‌اند. معلمان حق‌التدریس که بیشترشان در روستاهای کشور مشغول به خدمت هستند... این معلمان به حق هشدار داده‌اند که مسئولیت عواقب نقایص تحصیلی دانش‌آموزان به دلیل تحمیل شرایط سختی که از سوی دولت بر آنها اعمال شده است را نمی‌توانند بر عهده بگیرند. لازم به یادآوری است که در کشور ۱۲۱ هزار معلم حق‌التدریسی مشغول به کار هستند که با وضعیت استخدامی پر از ابهامی روبرو هستند. معلمان حق‌التدریس به معلم‌هایی گفته می‌شود که توانایی علمی و عملی تدریس را داشته و به صورت پاره‌وقت در آموزشگاه‌های دولتی اشتغال دارند.

هر گونه مبارزه کوتاه‌مدت افقی و عمودی در جامعه ایران محتوم به شکست و رکود خواهد بود... خصیصه مهم «جنبش اعتصابی» این است که باعث می‌گردد تا در عرصه «جنبش اعتصابی (برعکس «جنبش‌های خیابانی» و «جنبش‌های صرف اعتراضی» و «جنبش‌های آکسیونی) مبارزه از عرصه خیابان‌ها وارد زندگی روزمره توده‌های کارگر و کارمند اردوگاه بزرگ مستضعفین ایران بشود... تنها در پیوند «جنبش اعتصابی» به «جنبش اعتراضی» است که بسترها جهت ظهور رهبری درون‌جوش جنبش عام اجتماعی افقی و عمودی فراهم می‌گردد. (برعکس «جنبش‌های اعتراضی» یا «جنبش‌های خیابانی» یا «جنبش‌های آکسیونی»). جنبش‌های اعتصابی هرگز نمی‌تواند به صورت پراکنده و مدیریت نشده و سازمان نیافته تکوین پیدا نمایند و همین ضرورت‌ها است که بستر ساز «ظهور رهبری درون‌جوش و خودانگیخته جنبش‌های می‌شوند... جنبش اعتراضی دی ماه ۹۶ در شهرهای کوچکی مثل ایزد و دورود و قهدریجان و غیره عمیق‌تر و همه‌جانبه‌تر از شهرهای بزرگی مثل تهران بود؛ که خود این امر دلالت بر این حقیقت می‌کند که اعماق جامعه ایران در حال جوشیدن می‌باشد... وظیفه جنبش پیشگامان مستضعفین ایران عبارتند از: هدایت‌گری، سازمان‌گری، نظریه‌پردازی یا تئوری‌پردازی» که سنتز عملی این وظایف در حرکت اردوگاه بزرگ مستضعفین ایران «ایجاد خودآگاهی» همه‌جانبه می‌باشد... خشونت‌گرایی و بالا بردن هزینه مبارزه سم قاتلی است که به صورت مهندسی شده توسط رژیم مطلقه فقه‌مندی حاکم جهت بسترسازی برای سرکوب جنبش‌های افقی و عمودی تزریق می‌گردد. خشونت‌گرایی کنتشگران جنبش‌ها تنها دستاوردهائی که دارد این است که:

الف - کوتاه کردن عمر اعتلای این جنبش‌ها می‌شود.

ب - بالا بردن هزینه مبارزه برای توده‌ها جهت مشارکت در این جنبش‌ها می‌گردد.

ج - بسترسازی جهت سرکوب مهندسی شده دستگاه‌های چند لایه رژیم مطلقه فقه‌مندی حاکم می‌شود.

د - عامل تحریک عواطف ملی و مذهبی توده‌های اعماق اردوگاه بزرگ مستضعفین ایران می‌گردد.

تا زمانیکه جنبش‌های دادخواهانه و جنبش‌های مطالباتی و جنبش‌های اعتراضی وارد فرایند جنبش اعتصابی نشود، سرنوشت محتوم این جنبش‌ها شکست خواهد بود. چرا که تنها عاملی که می‌تواند جنبش‌های دادخواهانه و جنبش‌های مطالباتی و جنبش‌های اعتراضی از عرصه خیابان‌ها وارد زندگی روزمره توده‌های اعماق اردوگاه بکند فقط جنبش اعتصابی می‌باشد؛ بسترسازی جهت درازمدت و فراگیر کردن مبارزه جنبش‌های دادخواهانه و جنبش‌های مطالباتی و جنبش‌های اعتراضی توسط:

۱ - مقابله با خشونت‌گرایی درون جنبش.

۲ - بسترسازی جهت ظهور رهبری درون‌جوش این جنبش‌ها.

۳ - مبارزه با آسیب‌اتمیزه توسط سازماندهی افقی و موازی (نه عمودی و هرمی).

۴ - پیوند دو مبارزه «نان و آزادی» یا «افقی و عمودی» در اردوگاه بزرگ مستضعفین.

۵ - تکیه بر مبارزه علنی و میدانی و واقعی گروه‌های اجتماعی در عرصه زندگی روزمره خود آنهاست.

مقاله «اعماق جامعه ایران» در حال «جوشیدن» است - (سرمقاله نشر مستضعفین - بهمن ۱۳۹۶)